

فواید پیوستگی آیات از منظر موافقان و مخالفان*

محمد بهرامی**

چکیده:

مفسران و قرآن پژوهان بسیاری از گذشته تاکنون ارتباط آیات را مسلم انگاشته و کوششی فراوان در برقراری ارتباط میان آیات قرآن دارند. این گروه هرچند به صراحت از فواید پیوستگی آیات سخن نمی گویند و فواید ارتباط را بر نمی شمارند، اما پرواضح است که از طرح بحث پیوستگی و برقراری ارتباط میان آیات، فواید خاصی را دنبال می کنند که برخی از آن فواید عبارتند از سنجش نظریات تفسیری، ادبیات آیات، انکار تحریف قرآن، کشف باورها و اعتقادات، شبهه زدایی از ساحت قرآن، چینش منطقی آیات، فهم مفاهیم کلامی و... در برابر این گروه، شماری اصل پیوستگی را باور نداشته و فایده مندی ارتباط میان آیات را بر نمی تابند. بر این اساس در این نوشتار، فوایدی که گروه نخست می توانند برای بحث پیوستگی مطرح کنند، شمارش می شود و آن گاه تأملاتی که گروه دوم می توانند نسبت به آن فواید داشته باشند، بیان می گردد.

کلیدواژه‌ها:

پیوستگی آیات / ارتباط آیات / تفسیر / اعجاز قرآن

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۳، تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۸/۱۷.

m.bahrami@gmail.com

** استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

یکی از مباحث مهم و اختلافی قرآن، بحث پیوستگی آیات است. در بحث پیوستگی آیات دو نظریه اصلی وجود دارد. یک نظریه، پیوستگی آیات قرآن را از امتیازات آن دانسته و سعی بسیار در برقراری ارتباط میان آیات دارد. نظریه دوم ارتباط آیات قرآن را باور نداشته و کوشش طرفداران پیوستگی را بیهوده و بی‌ثمر معرفی می‌کند. دو گروه یادشده در موضوعات مهمی با یکدیگر اختلاف دارند که یکی از کلیدی‌ترین و تأثیرگذارترین آنها، بحث پیوستگی آیات است. این بحث با وجود نقش تعیین‌کننده در درستی نظریه پیوستگی و ناپیوستگی آیات، کمتر به صورت مستقل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. طرفداران پیوستگی با مفروض دانستن فایده‌مندی، کوشش بسیار در برقراری ارتباط میان آیات دارند و گروه دوم با بی‌فایده دیدن بحث پیوستگی، اصل ارتباط آیات را برنمی‌تابند. بنابراین شایسته است در این نوشتار اولاً بهره‌هایی که طرفداران پیوستگی از برقراری ارتباط می‌برند، شمارش گردد، و ثانیاً تأملات و تردیدهایی که مخالفان پیوستگی می‌توانند نسبت به فواید داشته باشند، بیان گردد. لازم به یاد است که فواید یادشده در این نوشتار بیشتر از موارد برقراری ارتباط میان آیات قرآن در کلام مفسران استخراج شده است و نقل کلام طرفداران پیوستگی آیات نمی‌باشد، چنان‌که نقد و بررسی‌های صورت گرفته در ذیل هر فایده نیز برآمده از تأملات نویسنده از زبان مخالفان پیوستگی آیات می‌باشد.

فایده‌مندی پیوستگی آیات

در بحث فواید ارتباط آیات، دست کم دو نظریه وجود دارد.

نظریه نخست

برخی فایده‌مندی پیوستگی آیات را انکار کرده و تلاش مدافعان پیوستگی آیات را بیهوده و لغو می‌خوانند. برای نمونه، شوکانی در بحث ارتباط میان آیات قرآن می‌نویسد: «بسیاری از مفسران وقت خود را در علمی صرف می‌کنند که هیچ فایده‌ای برای



ایشان ندارد.» (شوکانی، ۷۲/۱)

او نظریه پیوستگی آیات را ناسازگار با نزول تدریجی قرآن و نزول آیات به مناسبت‌های مختلف خوانده و در نتیجه منکر فایده‌مندی ارتباط آیات می‌باشد (همان). مرحوم محمدجواد مغنیه نیز از آن جهت که پیوستگی آیات را بی‌فایده می‌بیند، از ارتباط آیات سخن نمی‌گوید:

«من در مورد ارتباط آیات مانند دیگر مفسران سخن نمی‌گویم.» (مغنیه، ۱۴/۱)

نویسنده تفسیر *الکاشف* مانند شوکانی، نزول تدریجی آیات را ناسازگار با نظریه پیوستگی آیات می‌بیند و افزون بر این، چینش سوره‌های قرآن بر اساس کوتاهی و بلندی آیات و قرار گرفتن آیات مکی در کنار آیات مدنی و آیات مدنی در جوار آیات مکی را دلیل دیگر نادرستی نظریه پیوستگی معرفی می‌کند.

نقد و بررسی

ادعای شوکانی از دو جهت محل تأمل است. اول آنکه پیوستگی آیات را علم می‌خواند و در عین حال مدعی بی‌فایده بودن آن است. دوم آنکه با دلیل خاص به دنبال اثبات مدعای عام است. مدعای شوکانی عدم پیوستگی آیات قرآن و در نتیجه بی‌فایده بودن برقراری ارتباط میان آیات است و دلیل ایشان، نزول آیات به مناسبت‌های مختلف است و پرواضح است که نسبت میان مدعا و دلیل، عام و خاص است. شوکانی پیوستگی تمامی آیات را برنمی‌تابد و آیات دارای سبب نزول محدود است، به‌گونه‌ای که برخی قرآن‌پژوهان مانند واحدی، سیوطی و دیگران تنها برای تعدادی از آیات سبب نزول ذکر می‌کنند و بسیاری از آیات را فاقد سبب نزول می‌شناسند. برای نمونه از ۲۰۶ آیه سوره اعراف، سیوطی تنها برای ۴ آیه سبب نزول آورده (سیوطی، ۱۰۵) و واحدی برای ۶ آیه (واحدی، ۱۱۴). از ۱۲۸ آیه سوره نحل، واحدی برای ۱۲ آیه سبب نزول آورده (همان، ۱۴۱) و سیوطی برای حدود ۱۰ آیه (سیوطی، ۱۳۲).

سخن مرحوم مغنیه نیز احتمالات مختلفی را پذیراست. احتمال نخست آنکه مرحوم مغنیه اصلاً به پیوستگی آیات قرآن ورود پیدا نمی‌کند. احتمال دوم آنکه به پیوستگی

آیات در تفسیر *الکاشف* ورود پیدا می‌کند، اما ورود ایشان در سطح آیات یک سوره است و به ارتباط آیات دو یا چند سوره نمی‌رسد. احتمال سوم آنکه مقصود مرحوم مغنیه اصلاً ورود به بحث ارتباط آیات نیست، بلکه مراد ایشان بحث و بررسی گسترده پیوستگی آیات است. در حقیقت مرحوم مغنیه با این عبارت می‌گوید من مانند دیگر مفسران، به صورت گسترده در مورد پیوستگی آیات بحث نمی‌کنم، بلکه تنها در ارتباط برخی آیات قرآن سخن می‌گویم.

از سه احتمال یادشده، احتمال نخست به کلی نادرست است، چه اینکه مرحوم مغنیه در مواردی ارتباط میان آیات را به بحث و بررسی می‌گیرد و از پیوستگی آیات فواید خوبی می‌برد.

احتمال دوم صحیح می‌باشد، چه اینکه اولاً مرحوم مغنیه پیوستگی آیات یک سوره را بحث می‌کند، و ثانیاً دلیل بی‌توجهی خویش به پیوستگی آیات را مرتب نبودن سوره‌های قرآن معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، مرحوم مغنیه می‌گوید از آن جهت که سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول در کنار یکدیگر قرار نگرفته‌اند، بنابراین مانند دیگر مفسران، ارتباط میان آیات دو یا چند سوره را به بحث و بررسی نمی‌نشینم.

احتمال سوم نیز صحیح می‌باشد، چه اینکه مرحوم مغنیه نگاه حداقلی به پیوستگی آیات داشته و مانند دیگر مفسران، خود را به تکلف نمی‌افکند.

در احتمال سوم این سؤال مطرح است که مرحوم مغنیه ارتباط میان کدامین آیات را به بحث و بررسی می‌گیرد؟ اگر ایشان از ارتباط آیاتی سخن می‌گوید که پیوستگی آنها آشکار است، در این صورت این دسته از آیات نیازی به بحث ندارند تا مرحوم مغنیه ارتباط آنها را به بحث بگیرد. و اگر ایشان در مورد ارتباط آیاتی می‌گوید که پیوستگی آنها آشکار نیست، در این صورت ایشان مانند دیگر مفسران، خود را گرفتار تکلف می‌کند.^۱

نظریه دوم

بسیاری فایده‌مندی پیوستگی آیات را باور داشته و بر این اساس، در برقراری ارتباط میان آیات کوشش بسیار دارند. این گروه هرچند به صورت مستقل در مورد فایده‌مندی ارتباط آیات سخن نگفته و فواید آن را بر نمی‌شمارند، اما پرواضح است که از طرح پیوستگی آیات، اهداف خاصی را دنبال می‌کنند و بهره‌های مهمی از برقراری ارتباط میان آیات قرآن می‌برند که شماری از این فواید و تأملاتی که در آنها وجود دارد، بدین قرار است.

۱. سنجش نظریات تفسیری

مفسران قرآن در نقد و بررسی نظریات تفسیری از معیارهای متفاوتی سود می‌برند. یکی از مهم‌ترین این سنجه‌ها، پیوستگی آیات قرآن است. بر اساس این ملاک، تفاسیر سازگار با ارتباط آیات صحیح خوانده می‌شود و نظریات تفسیری ناسازگار، نادرست معرفی می‌گردد. برای نمونه در تفسیر عبارت «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» از آیه شریفه ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۳۹)، سه نظریه زیر مطرح شده است:

۱- مراد این است که حال شما از جهت کشته‌ها بهتر از ایشان است؛ شما در جنگ

أحد تعداد کمی شهید داشتید، ولی کافران در جنگ بدر تلفات بسیار داشتند.

۲- مراد این است که شما در حجت، تمسک به دین و عاقبت خوب از ایشان برتر

هستید.

۳- مراد این است که شما در عاقبت بر ایشان پیروز می‌شوید (طوسی، ۶۰۱/۲؛

طبرسی، جوامع الجامع، ۳۳۰/۱؛ قمی مشهدی، ۲۲۹/۳؛ سمرقندی، ۲۷۴/۱؛ ثعلبی،

۱۷۲/۳؛ کاشانی، زبدة التفاسیر، ۸۶۵/۱).

برخی از مفسران در تفاسیر خویش تنها نظریات یادشده را مطرح می‌کنند و هیچ

گونه انتخابی ندارند (کاشانی، زبدة التفاسیر، ۵۶۵/۱؛ فیض کاشانی، ۱۷۳/۱؛ نسفی،

۱۸۱/۱؛ بیضاوی، ۹۵/۲؛ اندلسی، ۶۷/۳)، و شماری دیگر یک نظریه را انتخاب کرده،

بی‌آنکه دلیلی برای انتخاب خود عرضه دارند (بلاغی، ۳۴۵/۱؛ قرطبی، ۲۱۷/۴). و

برخی یک نظریه را پذیرفته و دلیل انتخاب خویش را ارتباط آیه با سیاق می‌خوانند.

برای نمونه فخر رازی دیدگاه سوم را به جهت پیوستگی عبارت «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» با سیاق پیشینی صحیح می‌بیند و دو نظریه دیگر را به جهت ناسازگاری با ارتباط آیات ناروا معرفی می‌کند؛

«قوم که به جهت وهن قلوبشان شکسته شد، نیاز به قوتی در قلب و فرحی در نفس بودند و به این جهت خداوند فرمود: «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»» (فخر رازی، ۱۳/۹)

نقد و ارزیابی

اولاً بحث پیوستگی آیات در سطح بخش‌های مختلف یک آیه محل اختلاف نیست و پایین‌ترین سطح پیوستگی میان آیات هم‌جوار است. ثانیاً بحث پیوستگی آیات در تمامی آیات قرآن جاری نیست، بلکه تنها نسبت به آیاتی است که ظاهر آنها نشان از نامرتب بودن به یکدیگر دارد. ثالثاً برخی مخالفان پیوستگی آیات مانند مرحوم مغنیه، عبارت یادشده را معترضه می‌دانند و هیچ لزومی به ایجاد ارتباط نمی‌بینند (مغنیه ۱۶۳/۲).

۲. ادبیات آیات

تعیین نقش جملات، کلمات و حروف از دیگر فواید ارتباط میان آیات می‌باشد. برای نمونه شیخ طوسی (۳۹۲/۲)، طبرسی (مجمع البیان، ۴۳۳/۳)، فخر رازی (۲۲۰/۲۸)، ابن تیمیه (۴۲/۸) علامه طباطبایی (۳۷۸/۱۸) و برخی دیگر از مفسران، از آن جهت که آیه شریفه ﴿وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ (ذاریات/۳۸) در ارتباط با آیه شریفه ﴿وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾ (ذاریات/۳۷) قرار دارد، نظریه عطف آیه شریفه به ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ﴾ (ذاریات/۲۰) را بر نمی‌تابند.

نقد و ارزیابی

هرچند برخی مفسران از پیوستگی دو آیه شریفه نخست در نقد نظریه عطف آیه نخست به آیه سوم سود می‌برند، اما شماری دیگر نه عطف آیه اول به آیه دوم، و نه عطف آیه اول به آیه سوم را مقدم بر دیگری نمی‌دانند (طبرسی، مجمع البیان، ۲۶۵/۹؛ کاشانی، منهج الصادقین، ۴۲/۹؛ ثعلبی، ۱۱۸/۹؛ ابن عطیه، ۱۷۹/۵). افزون بر این، برخی



دیگر از تفسیرنویسان به شدت از عطف آیه اول به آیه سوم دفاع کرده (واحدی، ۱۰۳۰/۲) و جملات میان دو آیه شریفه را معترضه خوانده (حائری، ۲۳۴/۱۰؛ قرطبی، ۴۹/۱۷؛ بیضاوی، ۱۴۹/۵) و وجود چندین آیه میان معطوف و معطوف‌علیه را ناروا نمی‌شناسند.

افزون بر این، نمونه یادشده تنها فایده سطح خاصی از ارتباط را پوشش می‌دهد و ناظر به سطوح بالای پیوستگی نمی‌باشد.

۳. انکار تحریف قرآن

برخی عدم ارتباط آیه شریفه ﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾ (قیامه/۱۶) به سیاق را دلیل تحریف، تغییر و تبدیل قرآن دانسته و آن را با توقیفی بودن چینش آیات قرآن ناسازگار می‌دانند. در برابر این گروه، شمار درخور توجهی از مفسران به شکل‌های مختلف سعی در اثبات پیوستگی آیه شریفه داشته و نادرستی زیاده بودن آیه شریفه را نتیجه می‌گیرند. برای نمونه فخر رازی به شدت مخالف ناپیوستگی آیه شریفه با سیاق است و تحریف قرآن را به هیچ روی درست نمی‌بیند. ایشان به شش گونه مختلف میان آیه شریفه و آیات پیشین ارتباط برقرار می‌کند و نادرستی نظریه تحریف قرآن به زیاده را نتیجه می‌گیرد (فخر رازی، ۲۲۲/۳۰).

نقد و بررسی

نظریه‌ای که فخر رازی به روافض نسبت می‌دهد، با فرض درستی انتساب و درستی مستندسازی آن به آیه شریفه، از جهاتی چند مخدوش است و در نقد آن نیازی به اثبات ارتباط میان آیه شریفه با سیاق پیشینی وجود ندارد. اوّل آنکه مدعای روافض، کلی است «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ قَدْ غَيَّرَ وَ بَدَّلَ وَ زِيدَ فِيهِ وَ نَقَصَ عَنْهُ» و دلیل ایشان خاص است و به اصطلاح، دلیل اخصّ از مدعاست. روافض مدعی تغییر، تبدیل و تحریف نسبت به کل قرآن هستند، در صورتی که دلیل ایشان اگر درست باشد، تنها در سطح سوره جواب می‌دهد، نه تمامی قرآن. به عبارت دیگر، چینش آیات قرآن الهی و توقیفی است، اما چینش سوره‌های قرآن اجتهادی است، نه الهی. بنابراین اگر در سطح آیات

یک سوره، یک آیه بی‌ارتباط با دیگر آیات باشد، از آن جهت که چینش آیات الهی است و توقیفی شناخته می‌شود، وجود یک آیه نامرتبط، احتمالاً به تحریف قرآن می‌انجامد، اما اگر در سطح تمامی قرآن یک سوره بی‌ارتباط با دیگر سوره‌ها باشد، ادعای تحریف ناروا خواهد بود و الهی خواندن ترتیب سوره‌ها نادرست است، چه اینکه چینش سوره‌ها اجتهادی است و نه توقیفی یا الهی.

دوم آنکه برقراری ملازمه میان ناپیوستگی آیات و تحریف قرآن نارواست، چه اینکه برخی ترتیب آیات قرآن را اجتهادی می‌دانند و الهی بودن چینش آیات را بر نمی‌تابند و با وجود این، ادعای تحریف قرآن را صحیح نمی‌بینند.

سوم آنکه تحریف اصطلاحی به معنای کم شدن از کلام خدا یا افزون بر کلام خدا تعریف شده است و جابه‌جایی آیات یا سوره‌ها نه به معنای کم شدن از کلام خداست، و نه به معنای افزودن بر کلام خدا.

چهارم آنکه اطلاق تحریف بر جابه‌جایی کلمات، آیات و سوره‌ها، به ادعای تحریف قرآن می‌انجامد، چه اینکه جابه‌جایی سوره‌ها و برخی آیات را شماری از قرآن‌پژوهان مطرح ساخته‌اند.

افزون بر این، نمونه یادشده تنها ناظر به پایین‌ترین سطح پیوستگی است و پیوستگی در سطح آیات هم‌جوار، آیات سوره، آیات سوره‌های هم‌جوار و... را پوشش نمی‌دهد.

۴. کشف باورها و اعتقادات

از دیگر فوائد پیوستگی آیات، استنباط باورهای کلامی و اثبات نادرستی نظریات کلامی مخالفان است. برای نمونه فخر رازی از ارتباط آیه شریفه ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ...﴾ (بقره/۲۳) با سیاق پیشینی، امکان اثبات صانع با نگاه برون‌دینی و منوط نبودن اثبات صانع به اثبات نبوت را نتیجه می‌گیرد. به باور فخر رازی، قرار گرفتن آیه یادشده (که در مورد اثبات نبوت است) پس از سیاق پیشینی (که در مورد اثبات صانع است)، از نادرستی نظریه تعلیمیه و حشویه حکایت دارد. تعلیمیه

معرفت خدا را برآمده از معرفت پیامبر می‌دانند و حشویه اثبات خدا را تنها درون‌دینی دانسته و معرفت خدا را بی‌توجه به قرآن و اخبار ناممکن می‌بینند (فخر رازی، ۱۱۴/۲).

بررسی و نقد

۱- فخر رازی با مفروض دانستن ترتیب آیات، نظریه حشویه را به نقد و بررسی می‌گیرد، در صورتی که حشویه مرتب بودن آیات را باور نداشته و مدعی تغییر در ترتیب آیات وحی هستند.

۲- سیاق آیه شریفه معرفت خداوند را درون‌دینی و برآمده از آیات قرآن نشان می‌دهد، نه برون‌دینی که مدعای فخر رازی است.

۳- برخی مفسران دو آیه شریفه را در مقام اثبات امر سابق و توحید عبادی می‌دانند. به باور ایشان، سیاق، دلالت بر راستی دعوت پیامبر و دعوت مشرکان به ترک عبادت بتان دارد، اما چون این دلالت مورد تردید کفار و مشرکین است، به این جهت خداوند در دو آیه مورد بحث دلیل می‌آورد که آیات از سوی خداوند است. بر این اساس این گروه از مفسران دلالت سیاق بر توحید و دلالت آیات یادشده بر نبوت را باور ندارند (خمینی ۴/۲۸۷). افزون بر این، نمونه یادشده نیز ناظر به پایین‌ترین سطح پیوستگی است و سطوح بالاتر پیوستگی را پوشش نمی‌دهد.

۵. شبهه زدایی

یکی دیگر از فواید پیوستگی آیات، شبهه زدایی از ساحت قرآن است؛ شبهاتی که از گذشته تا کنون وجود داشته و پیوستگی آیات را نشانه گرفته است. برای نمونه سعید حوی از تفسیرنویسان معاصر، ارتباط میان آیات را دفع شبهه مستشرقان به قرآن دانسته و ادعای ناپیوستگی آیات قرآن را بسیار ناروا دانسته و طرح چنین شبهاتی را در مورد متون بشری نیز نادرست می‌خواند، چه برسد نسبت به قرآن که متنی الهی است (حوی، ۱/۲۷). از تفسیرنویسان پیشین نیز برخی ارتباط آیات را در راستای زدایش شبهات از ساحت قرآن می‌دانند. برای نمونه، فخر رازی ارتباط دو عبارت «رَبِّ الْعَالَمِينَ» (فاتحه/۲) و «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (فاتحه/۳-۴) با عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ»

(فاتحه/۲) را از نوع دلیل و مدلول دانسته و این نوع ارتباط را در راستای دفع شبهه ناپیوستگی آیات و نبود دلیل برای اثبات درستی دو مدعای (یکی وجود خدا و دیگری استحقاق خداوند برای حمد) نهفته در عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» می‌بیند (فخر رازی ۱/۱۷۹).

سنجش و نقد

هرچند در فایده یادشده دو سطح مختلف از پیوستگی مد نظر قرار گرفته است، اما در سخن سعید حوی هیچ نمونه‌ای نیامده است و در سخن فخر رازی نیز نمونه یادشده ناظر به ارتباط بخش‌های مختلف یک آیه است و ناظر به ارتباط میان آیات هم‌جوار و سطوح بالاتر نیست. افزون بر این، بحث پیوستگی در مواردی مطرح می‌شود که ارتباط آیات در هاله‌ای از ابهام قرار داشته باشد.

۶. چینش منطقی آیات

اثبات چینش منطقی آیات از دیگر فواید پیوستگی آیات شناخته می‌شود. بر این اساس ارتباط آیه شریفه ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۵۵) به سیاق پیشینی از چیدمان منطقی و خردمندانه آیات حکایت دارد. چنان‌که پیوستگی آیه ﴿لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (قیامه/۱) و ﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْوَأَمَّةِ﴾ (قیامه/۲) نشان از چینش منطقی آیات دارد (فخر رازی، ۲/۲۱۶).

ارزیابی

چیدمان منطقی آیات به ارتباط میان آیات می‌انجامد، نه آنکه پیوستگی آیات از چیدمان منطقی آیات حکایت داشته باشد. به عبارت دیگر، فایده چیدمان منطقی آیات، برقراری ارتباط میان آیات است، نه آنکه فایده ارتباط آیات، آشکارسازی چیدمان منطقی آیات باشد. البته این احتمال وجود دارد که امکان کشف چیدمان منطقی آیات بدون ارتباط آیات امکان‌پذیر نباشد که در این صورت نمی‌توان فایده چینش منطقی آیات را کشف ارتباط دانست.

افزون بر این، نمونه‌های ارائه شده، پایین‌ترین سطح پیوستگی را پوشش می‌دهد و از پوشش سطوح بالاتر ناتوان است، در صورتی که مدعای اصلی طرفداران پیوستگی، ارتباط در سطوح بالاتر است.

۷. دسته‌بندی آیات

پیوستگی آیات امکان گروه‌بندی آیات و تفسیر بهینه آیات را فراهم می‌کند. از این رو بسیاری از مفسران قرآن، آیات هر سوره را به دسته‌های متفاوت تقسیم می‌کنند و هر دسته را به صورت مستقل به تفسیر می‌گیرند. برای نمونه مرحوم مراغی آیات هر سوره را به اعتبار اغراض سوره دسته‌بندی می‌کند و در جمع‌بندی نهایی، به تعداد دسته‌بندی‌ها برای سوره، هدف تعریف می‌کند. ایشان آیات سوره زخرف را به ده دسته تقسیم می‌کند و در پایان، ده غرض برای سوره شمارش می‌کند (مراغی، ۱۱۷/۲۵). فخر رازی نیز هر سوره را به دسته‌های چند آیه‌ای تقسیم می‌کند و معیار دسته‌بندی را ارتباط آیات قرار می‌دهد. از آیه ۴۰ تا ۴۹ سوره بقره را در یک دسته قرار می‌دهد و معیار خویش را ارتباط آیات با یکدیگر در بیان نعمت‌ها به صورت جزئی می‌داند و از آیه ۴۹ تا ۶۹ را در دسته‌ای دیگر می‌نهد و ملاک دسته‌بندی را ارتباط آیات در بیان نعمت‌ها به صورت تفصیلی معرفی می‌کند.

بررسی و نقد

نمونه‌های یادشده نه فایده‌مندی نظریه پیوستگی در سطح سوره و هدفمندی سوره را می‌رساند، و نه فایده پیوستگی در سطح آیات سوره‌ها و آیات کل قرآن را اثبات می‌کند. به علاوه بحث پیوستگی آیات در مواردی مطرح است که ارتباط میان آیات پنهان است و نیاز به کشف دارد.

۸. فهم مفاهیم کلامی

فخر رازی با بهره‌گیری از ارتباط آیات قرآن، مفاهیم اعتقادی قرآن را توضیح می‌دهد. برای نمونه آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ (آل

عمران/۵) را در ارتباط با آیه شریفه ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ (آل عمران/۲) دیده و آن را تقریر اصطلاح کلمه «قیوم» در آیه دوم معرفی می‌کند. به باور فخر رازی، خداوند با کلمه «قیوم» توجه خود را به دو دسته از مصالح بیان می‌دارد. یک دسته مصالح جسمانی که برترین آنها تعدیل بنیه و تسویه مزاج است. دسته دوم مصالح روحانی که برترین آنها علم است. مصالح جسمانی در آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (آل عمران/۶) بیان شده است و مصالح روحانی در آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران/۷) (فخر رازی، ۱۷۶۷-۱۷۷۷).

۹. کشف تاریخ نزول

کشف مکی و مدنی بودن آیات قرآن از دیگر فواید پیوستگی آیات است. برای نمونه مرحوم مراغی از پیوستگی آیات، مکی یا مدنی بودن سوره را نتیجه می‌گیرد. وی سوره یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ را در شمار سوره‌های مکی قرار می‌دهد و دلیل این مدعا را موضوع این سوره قرار می‌دهد. اثبات توحید، نابودی شرک، اثبات رسالت، بعث و جزا، دفع شبهات و دیگر مقاصد دین از موضوعات سوره‌های مکی است و آمدن آنها در سوره یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ، از مکی بودن این سوره حکایت دارد (مراغی، ۵۸/۱۱).

همچنین نویسنده «تفسیر القرآن الکریم» از ارتباط دو آیه شریفه ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/۲۳-۲۴) ﴿لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۲۳-۲۴) با سیاق پیشینی (آیات ۲۱ و ۲۲ بقره)، مدنی بودن آیه شریفه و آیات بعدی را نتیجه می‌گیرد (خامنی، ۴/۲۷۷).

به باور مرحوم مصطفی خمینی، خطاب عام در آیات ۲۱ و ۲۲ سوره بقره مناسب با گسترش اسلام و نفوذ اسلام در شبه جزیره است و بنابراین چون گسترش و نفوذ اسلام در مدینه صورت گرفته است، آیات ۲۱ و ۲۲ بقره مدنی شناخته می‌شوند و از آن جهت که آیات ۲۱ و ۲۲ و آیات ۲۳ و ۲۴ در ارتباط با یکدیگر قرار دارند، بنابراین آیه ۲۳ و سیاق پسینی آن مانند آیات ۲۱ و ۲۲ در شمار آیات مدنی قرار می‌گیرند. در نگاه نویسنده «تفسیر القرآن الکریم»، مفسرانی که آیات یادشده را مکی دانسته (واحدی نیشابوری، ۱۳) و آنان که با بهره‌گیری از سخن ابن عباس، ملاک آیات مکی را عبارت «یا ایها الناس» و ملاک آیات مدنی را عبارت «یا ایها الذین آمنوا» می‌آورند و در مورد مکی یا مدنی بودن آیات یادشده هیچ قضاوتی ندارند (طوسی، ۹۷/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱/۱۲۲)، سخت در اشتباه هستند؛ چه اینکه اولاً عبارت «یا ایها الناس» معیار آیات مکی نیست و عبارت «یا ایها الذین آمنوا» معیار آیات مدنی نمی‌باشد. ثانیاً برفرض که عبارت‌های یادشده معیار قرار گرفته باشد، این ملاک‌ها غالبی است، نه کلی و صادق در تمامی موارد. ثالثاً اگر ملتزم به تکرار نزول در مکه و مدینه باشیم، در این صورت هیچ مشکلی رخ نخواهد داد و می‌توان آیه مورد بحث را مدنی شناخت. رابعاً ثابت نشده که معیار نامبرده از سوی ابن عباس مطرح شده است. خامساً برفرض انتساب معیار یادشده به ابن عباس، حجیت آن معیار برای ما محلّ تأمل جدی است (خمینی، ۲۷۰/۴).

سنجش و نقد

فایده یادشده در تفسیر مراغی و تفسیر القرآن الکریم در خور پذیرش نیست؛ چه اینکه اولاً فایده برداشتی مرحوم مراغی ناظر به ارتباط میان آیات با فرض تعدد هدف سوره می‌باشد و فایده دیگر سطوح پیوستگی نیست. ثانیاً شمارش موضوعات یادشده به‌عنوان موضوعات مکی با قطع نظر از آیات قرآن، محل تردید و تأمل است.

همچنین فایده یادشده از سوی سید مصطفی خمینی اگر برای طرفداران پیوستگی آیات در سطح آیات هم‌جوار مفید باشد، برای طرفداران پیوستگی آیات در سطح سوره مناسب نیست.

۱۰. تعیین درستی یک سبب نزول

برخی مفسران قرآن از پیوستگی آیات به عنوان یک معیار برای تعیین درستی یا نادرستی اسباب نزول بهره می‌برند. برای نمونه شیخ طوسی برای آیه ۲۶ سوره بقره ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ چند سبب نزول می‌آورد. تمامی سبب نزول‌ها را حسن می‌خواند و یک سبب نزول را به جهت هماهنگی با پیوستگی آیه شریفه با آیات هم‌جوار، احسن معرفی می‌کند (شیخ طوسی، ۱/۱۱۱). مرحوم طبرسی و مصطفی خمینی نیز پیوستگی آیه شریفه با آیات هم‌جوار را دلیل انتخاب منافقان به عنوان سبب نزول مطرح می‌کنند و مشرکان و یهود را سبب نزول آیه شریفه نمی‌بینند (طبرسی، جوامع الجامع، ۱/۸۷؛ مصطفی خمینی، ۵/۳۴). در برابر این گروه از مفسران، تعدادی از مفسران قرآن سبب نزول آیه شریفه را مشرکان و یهود می‌دانند (سمرقندی، ۱/۶۳؛ ابن ابی الزمین، ۱/۱۲۹؛ ثعلبی، ۱/۱۷۲؛ واحدی نیشابوری، ۱/۹۷؛ سمعانی، ۱/۶۰؛ بغوی، ۱/۵۸).

ارزیابی

در آیه شریفه دو نظریه اصلی وجود دارد. در یک نظریه آیه شریفه کاملاً مستقل و بی‌نیاز از سبب نزول خوانده می‌شود. در نظریه دوم آیه شریفه دارای سبب نزول شناخته می‌شود، اما در اینکه سبب نزول آیه شریفه چیست، اختلاف وجود دارد. برخی سبب نزول را مشرکان می‌دانند، گروهی سبب نزول را منافقان معرفی می‌کنند و عده‌ای سبب نزول را یهود می‌شناسند. هر سه گروه یادشده برای اثبات مدعای خویش از آیات قرآن بهره می‌گیرند، با این تفاوت که گروه نخست از آیات ۶ و ۷ و آیات ۲۳ و ۲۴ بقره سود می‌گیرند، دسته دوم از آیات ۸ تا ۲۰ بقره و دسته سوم از آیات دیگر سوره‌ها استفاده می‌کنند که در این میان، استدلال گروه نخست به حق نزدیک‌تر است؛ چه اینکه مستند قرآنی ایشان متصل به آیه شریفه است، در صورتی که مستندات قرآنی دو گروه دیگر یا با فاصله زیاد از آیه مورد بحث قرار گرفته، و یا در سوره‌ای دیگر آمده است.

شکل‌گیری نظریات مختلف در مورد سبب نزول و استواری آنها بر پیوستگی آیات، نشان از نبود ضابطه معین در انتخاب آیات پیوسته دارد و درست به همین جهت است که برخی مدعی پیوستگی میان آیه شریفه با آیه ۶ و ۷ بقره هستند و شماری مدعی پیوستگی آیه شریفه با آیات ۸ تا ۲۰ هستند و گروهی نیز مدعی پیوستگی آیه شریفه با آیه ۲۳ و ۲۴ بقره می‌باشند.

۱۱. تبیین‌های تاریخی

از فواید دیگر پیوستگی آیات، تبیین‌های تاریخی است. برای نمونه، تبیین دادن ملک و نبوت در قصه داوود علیه السلام بر پیوستگی بخش‌های مختلف آیه زیر استوار شده است: ﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (بقره/۲۵۱).

فخر رازی در تفسیر آیه شریفه، حکمت را به معنای نبوت می‌گیرد و در توضیح پیوستگی کشتن جالوت و دادن نبوت و ملک می‌گوید:

«اینکه خداوند به داوود علیه السلام نبوت ارزانی داشت، از آن جهت است که نحوه کشتن جالوت معجزه بود و معجزه دلیل بر نبوت داوود علیه السلام است. اما اینکه خداوند به داوود ملک داد، به آن جهت است که مردم به داوود علیه السلام گرویدند و همین گرایش، پادشاهی او را به همراه داشت.» (فخر رازی، ۲۰۲/۶)

نقد و بررسی

فایده یادشده در شمار فواید ارتباط میان آیات هم‌جوار قرار نمی‌گیرد و بیشتر از ارتباط بخش‌های مختلف یک آیه و فایده آن حکایت دارد. افزون بر این، فایده یادشده ملاک درستی و نادرستی سبب نزول دیده نیست، بلکه معیار احسن بودن یک سبب نزول از میان چند سبب نزول است.

۱۲. علل احکام

یکی دیگر از فواید پیوستگی آیات، کشف رابطه علی و معلولی است. برای نمونه فخر رازی عبارت «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» در آیه شریفه زیر را علت امر به تقوا در

آیه معرفی می کند (فخررازی، ۱۳/۹): ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء/۱).

سنجش و نقد

نمونه یادشده فایده ارتباط بخش‌های مختلف یک آیه را نشان می‌دهد و از پوشش دادن سطوح بالاتر پیوستگی، به‌خصوص ارتباط تمامی آیات و شکل‌گیری هدف واحد ناتوان است. افزون بر این، بحث پیوستگی در مواردی است که ارتباط آیات نیازمند کشف و استخراج باشد، در صورتی که در آیه مورد بحث، اصل ارتباط آشکار است و نیازمند تأمل و تدبر نیست.

۱۳. اثبات اعجاز قرآن

فصاحت، بلاغت، نظم، پیوستگی آیات قرآن و... از وجوه مهم اعجاز قرآن شناخته می‌شود. بر این اساس، شماری از مفسران قرآن از پیوستگی آیات برای اثبات اعجاز قرآن بهره می‌گیرند. برای نمونه فخر رازی از یک سو پیوستگی آیات را از وجوه اعجاز قرآن خوانده و در جای‌جای تفسیر خویش به‌صورت گسترده و بی‌سابقه میان آیات قرآن پیوستگی برقرار می‌کند (فخر رازی، ۲۲۲/۳۰)، و از سویی دیگر از ارتباط آیات، فصاحت، بلاغت و نظم قرآن را به‌عنوان وجوه اعجاز قرآن می‌شناسد (همان، ۱۵۹/۹؛ ۶۶/۲۲؛ ۱۰/۴). بقایای نیز اثبات اعجاز قرآن را از فواید پیوستگی آیات می‌داند و ارتباط ترکیبی و ترتیبی هر آیه با آیات دیگر را کاشف اعجاز قرآن می‌خواند. چنان‌که سعید حوی، پیوستگی آیات را نشان‌دهنده اعجاز قرآن می‌خواند، فرض قرآن بشری را نافی ارتباط میان آیات می‌شناسد (حوی، ۲۵/۱)، و تأکید بر اعجاز قرآن را از فواید پیوستگی آیات معرفی می‌کند (همان، ۲۷).

نقد و سنجش

فایده یادشده در سطح آیات هم‌جوار مطرح گردیده و ارتباط در این سطح را نمی‌توان از وجوه اعجاز قرآن شمرد. ارتباطی در حد اعجاز شناخته می‌شود که دست‌کم در سطح آیات یک سوره و شکل‌گیری هدف واحد باشد، در غیر این صورت، بسیاری از متون بشری نیز به جهت ارتباط در سطوح پایینی نیز باید معجزه خوانده شوند، در صورتی که چنین متونی به هیچ روی معجزه (امری خارق‌العاده که دیگران قادر بر انجام آن نباشند) دیده نمی‌شوند.

۱۴. کشف لطایف قرآن

از دیگر فواید ارتباط آیات، کشف لطایف قرآن می‌باشد. فخر رازی در مورد ارتباط آیات سوره بقره و فواید آن می‌گوید:

«اکثر لطائف القرآن مودعة فی الترتیبات و الروابط.» (فخر رازی، ۱۱۰/۱۰)

چنان‌که سعید حوی نیز یکی از نتایج بحث پیوستگی را آشنایی طالبان علم با دقایق اسرار قرآن می‌خواند. همچنین ایشان در موردی دیگر، بحث پیوستگی را در معرفت برخی از اسرار قرآن تأثیرگذار می‌داند (حوی، ۲۷/۱).

ارزیابی

اولاً فایده یادشده کلی است و فخر رازی هیچ مصداقی برای آن بیان نداشته است؛ هرچند به احتمال زیاد، مراد فخر رازی از لطایف، همان فوایدی است که در این نوشتار شمارش شده است. ثانیاً بیان عبارت «اکثر لطائف القرآن مودعة فی الترتیبات و الروابط» در اواخر تفسیر سوره بقره و عدم اعتقاد فخر رازی به هدف واحد برای سوره بقره، از جریان نیافتن این فایده در سطوح بالای پیوستگی حکایت دارد. بنابراین نمی‌توان این فایده را برای تمامی سطوح ارتباط بیان داشت.

۱۵. فهم بهینه آیات

یکی از فواید پیوستگی آیات، فهم بهینه آیات است. سیوطی علم پیوستگی را عامل پیوند بخش‌های مختلف یک سخن و فهم بهینه آیات می‌خواند؛

«علم مناسبات پاره‌های هر کلام را با کلام دیگر شناسایی می‌کند و به هم پیوند می‌زند و آنها را به مجموعه‌ای تبدیل می‌کند که در حکم ساختمانی است دارای اجزای هم‌خوان. در این صورت ما را به فهمی از پیوستگی مجموع کلام نزدیک می‌کند تا بدانیم رابطه میان این موضوعات از چه سنخی است؛ آیا از باب تأکید است یا از باب اعتراض، به جای حکم پیشین (بدل) است یا اصولاً از این سنخ نیست و در ظاهر جدا می‌نماید. در آن صورت باید جنبه‌های دیگر پیوستگی (مانند عطف، تنظیر و تضاد) را مورد مطالعه قرار دهیم.» (سیوطی، ۳/۳۷۱)

مرحوم مراغی نیز با ساخت یک نمای کلی از غرض سوره و معیار قرار دادن آن، به دسته‌بندی آیات می‌پردازد و آیات را در پرتوی هدف سوره تفسیر می‌کند.

نقد و بررسی

پیوستگی آیات در فهم بهینه آیات تأثیرگذار است، اما حدود این اثرگذاری روشن نیست. اگر ارتباط بخش‌های مختلف یک آیه، ارتباط آیات یک سوره و هدف واحد یک سوره در فهم بهینه آیات قرآن مؤثر است (که قطعاً این گونه است)، ساخت هدف واحد برای دو یا چند سوره قرآن اعم از هم‌جوار و غیر هم‌جوار و تمامی سوره‌های قرآن نیز در فهم بهینه آیات مؤثر خواهد بود، در صورتی که اعتقاد به پیوستگی سوره‌ها و شکل‌گیری هدف واحد تا کنون به شکل علمی و با نظر داشت ارتباط آیات هر سوره و پیوستگی سوره‌های قرآن صورت نگرفته است.

۱۶. بستر سازی تفسیر قرآن به قرآن

گروهی از مفسران از پیوستگی آیات قرآن برای تفسیر قرآن به قرآن بهره می‌گیرند. برای نمونه آیات زیر را در ارتباط با یکدیگر دیده و از روش تفسیر قرآن به قرآن برای فهم درست آیات سود می‌برند:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَغُلُّوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ﴾ (مائده/۶۴)؛

﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح/۱۰)؛

﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدِي﴾ (ص/۷۵)؛

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ﴾ (يس/۷۱).

فخر رازی آیه نخست را به کمک آیات دوم، سوم و چهارم تفسیر می‌کند (رک: فخر رازی، ۲۳۲/۵ و ۲۲۶/۳۰).

ارزیابی

فایده یادشده برخی از سطوح پیوستگی را پوشش می‌دهد، اما توان پوشش برخی از سطوح اصلی و مورد اختلاف را ندارد. برای نمونه اثرگذاری پیوستگی تمامی آیات یک سوره و شکل‌گیری هدف واحد در تفسیر قرآن به قرآن در خور تصور می‌باشد، اما در مقام عمل هیچ یک از طرفداران تفسیر قرآن به قرآن، از این سطح از پیوستگی برای تفسیر متن به متن سود نگرفته‌اند.

۱۷. پاسخ به پرسش‌ها

حوی یکی از فواید بحث پیوستگی را پاسخ به پرسش‌ها می‌داند. برای نمونه بحث پیوستگی را پاسخگوی سؤالات موضوع فواتح سوره‌ها اعم از حرف هجائیه و غیر هجائیه می‌داند (حوی، ۲۵/۱).

۱۸. ترتیب سوره‌ها

یکی دیگر از فواید پیوستگی آیات، مرتب‌سازی سوره‌های قرآن است. سعید حوی ترجیح برخی از جوانب مورد اختلاف را از فواید پیوستگی آیات قرآن معرفی می‌کند. برای نمونه درستی نظریه توقیفی بودن چینش سوره‌ها و نادرستی نظریه اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها، از فواید بحث پیوستگی آیات قرآن شناخته می‌شود؛ چنان‌که توقیفی بودن ترتیب آیات از نتایج برقراری ارتباط میان آیات است (سیوطی، ۳۷۰/۳؛ حوی، ۲۵/۱). به عبارت دیگر، یکی از فواید پیوستگی آیات را توقیفی بودن چینش ترتیب

سوره‌ها می‌داند، در صورتی که حق آن است که توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها در بحث پیوستگی میان آیات و توقیفی بودن ترتیب آیات در بحث ارتباط میان آیات، یکی از مبانی اصلی پیوستگی است، نه آنکه توقیفی بودن یکی از فواید بحث ارتباط آیات باشد.

فخر رازی فرض را بر ارتباط سوره‌های قرآن گرفته و با این فرض، میان آیات سوره‌های قرآن ارتباط می‌بیند. بنابراین باید بررسی شود که فایده پیوستگی، کشف ترتیب سوره‌هاست، یا ترتیب سوره‌ها مبنای پیوستگی. وی گاه از صدر دو سوره بهره می‌گیرد، گاه از ذیل دو سوره و گاه از صدر یکی و ذیل دیگری و ... برای نمونه سوره الرحمن را با سوره قمر پیوسته می‌بیند؛ چنان‌که از ارتباط صدر سوره محمد ﷺ با آخر سوره احقاف به ترتیب این دو سوره می‌رسد (فخر رازی، ۳۶/۲۸). همچنین از ارتباط دو سوره به دسته‌بندی آیات می‌رسد. برای نمونه می‌گوید سوره منافقون از کسانی که پیامبر را زبانی و قلبی تکذیب می‌کردند، سخن می‌گوید و سوره جمعه از کسانی که تکذیب قلبی و نه لسانی داشتند و از کسانی که تصدیق لسانی داشتند و انکار قلبی، سخن به میان می‌آورد (همان، ۱۲/۳۰).

۱۹. تعیین هدف و غرض سوره

مشخص کردن هدف سوره، فایده دیگر ارتباط آیات است. برای نمونه، بقاعی فایده بحث ارتباط میان آیات را شناخت مقصود سوره می‌داند.

بررسی و نقد

در این فایده یک دور هرمنوتیکی وجود دارد. درک هدف سوره منوط به شناخت غرض آیات است و غرض آیات منوط به فهم هدف سوره. بنابراین با توجه به دور یادشده، ناگزیر از رفت‌وبرگشت‌های بسیار میان سوره و آیات شکل‌دهنده سوره خواهیم بود. نخست از آیه به سمت غرض سوره می‌رویم و آن‌گاه از هدف سوره به غرض آیات رجوع می‌کنیم و این رفت‌وبرگشت‌ها را تا آنجا ادامه می‌دهیم که اطمینان به هدف سوره و غرض آیات پیدا کنیم.

نتیجه گیری

در بحث فواید پیوستگی آیات دو نظریه اصلی وجود دارد. یک نظریه ارتباط آیات را دارای فایده می‌داند و نظریه دوم فایده‌مندی پیوستگی آیات را بر نمی‌تابد. مهم‌ترین فوایدی که می‌توان از برقراری ارتباط میان آیات از کلام مفسران استخراج کرد، عبارت‌اند از سنجش نظریات تفسیری، ادبیات آیات، انکار تحریف قرآن، کشف باورها و اعتقادات، شبه‌زدایی از ساحت قرآن، چینش منطقی آیات، فهم مفاهیم کلامی و فواید یادشده از سوی مخالفان پیوستگی از جهاتی چند در خور تأمل و بررسی است. جهت نخست آنکه فواید یادشده ناظر به مدعای طرفداران پیوستگی نمی‌باشد. برای نمونه فواید ارتباط در سطح آیات هم‌جوار یا آیات غیر هم‌جوار در یک سوره به‌عنوان فواید پیوستگی در سطح آیات یک سوره و غرض واحد سوره آورده می‌شود. جهت دوم آنکه برخی فواید بی‌توجه به پیوستگی آیات نیز در خور نتیجه‌گیری است.

پی‌نوشت

۱- برخی نشانه‌ها نزاع میان موافقان و مخالفان را در صورت دوم قرار می‌دهد. در این گونه موارد، برخی مدعی پیوستگی هستند و در برابر، شماری مدعی عدم ارتباط می‌باشند.

منابع و مأخذ

۱. ابن تیمیه، احمد؛ مجموعة الفتاوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲. اندلسی، ابن عطیه؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالشافی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
۳. اندلسی، ابوحنیان؛ تفسیر البحر المحیط، تحقیق: عبدالوجود و معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۴. بلاغی نجفی، محمدجواد؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۲۰ق.
۵. بیضاوی، عبدالله؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.

۶. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۷. حائری تهرانی، میر سید علی؛ مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، دار الکتب العلمیه، ۱۳۳۷ش.
۸. حوی، سعید؛ الاساس فی التفسیر، بی‌جا، دار السلام، ۱۴۰۹ق.
۹. خمینی، سید مصطفی؛ تفسیر القرآن الکریم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق.
۱۰. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ تفسیر الکبیر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۱. سمرقندی، ابواللیث؛ تفسیر سمرقندی، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین؛ لباب النقول فی اسباب النزول، بیروت، دار احیاء العلوم، ۱۴۰۸ق.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طبرسی فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۵. _____؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۷. فیض کاشانی، ملا محسن؛ الأصفی فی تفسیر القرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۹. قمی مشهدی، محمد؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۰۷ق.
۲۰. کاشانی، ملا فتح‌الله؛ تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، علمی، ۱۳۳۶ش.
۲۱. _____؛ زیدة التفاسیر، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۲۲. مراغی، احمد بن مصطفی؛ تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۳. مغنیه، محمدجواد؛ التفسیر الکاشف، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۱م.
۲۴. نسفی، عبدالله بن احمد؛ مدارک التنزیل و حقائق التاویل، بیروت، دار النفایس، بی‌تا.
۲۵. واحدی نیشابوری، ابوالحسن؛ الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، تحقیق: داوودی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵ق.
۲۶. واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ اسباب النزول، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، بی‌تا.